



فلسفه و مناسک در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با عبدالحسین خسروپناه

# تقیب مناسک یک جنگ شناختی است

مناسک با اومانیسیم سازگار نیست

**عباس بنشاسته**  
روزنامه‌نگار

**نگاه فلسفی در باب مناسک، حتی مناسک مذهبی - در قیاس با علوم اجتماعی - تاکنون به‌ندرت و پراکنده بوده است.**

گویا فیلسوفان در گذشته و حتی امروز، مناسک را چندان از نظر معرفت‌شناختی مهم نمی‌دانسته‌اند. با توجه به شرایطی که بیماری کرونا بر جوامع حاکم کرده، شاید پیش از گذشته نیازمند یک فهم فلسفی از مناسک باشیم که بدانیم با توجه به اهمیت آن در شرایط کنونی، چطور باید با آن مواجه شد. لذا در شرایط امروز نگاه دوباره به موضوع مناسک و نسبتی که با دینداری هر فرد در جامعه برقرار می‌کند، واجد اهمیت است.

در گفت‌وگو با عبدالحسین خسروپناه، پرسش‌هایی در باب حیثیات فردی و اجتماعی مناسک مطرح کردیم که در ادامه می‌خوانید.

|||

**مناسک به‌طور عام و مناسک دینی به‌طور خاص چه اهمیتی دارند؟ آیا اهمیت آنها تنها فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی است یا از حیث معرفتی هم اهمیتی دارند؟ یعنی آیا ممکن عمل برای بقیه مستحب موجد است. برخی دیگر از مناسک هم به‌سوی شناخت عالم و آدم باشند؟**

اگر از منظر فقهی بخواهیم به مساله نگاه کنیم، باید گفت در این زمینه آنقدر روایات زیادی داریم که این روایات فقها را به این نتیجه رسانده که برگزاری مراسم عزاداری را مستحب موجد بدانند. البته برخی مناسک واجب عینی است، مثل حج برای افراد مستطیع. حج یک عمل مناسکی است که گوهر معنایی آن تعبد است. برخی مناسک واجب کفایی است مثل برگزاری عزاداری برای امام حسین (ع) از این سنخ است، وقتی فعالیت حاصل شود، این عمل برای بقیه مستحب موجد است. برخی دیگر از مناسک هم ممکن است صرفا مستحب باشد و موجد نباشد. این بحث فقهی مناسک است که فقها به آن پرداخته‌اند.

یک وجه دیگر که می‌توان از آن به مناسک نگریست، بحث معارف قرآنی است. خداوند در قرآن بر شعائر به‌عنوان یک معرفت قرآنی تأکید داشته‌است. مثلاً در آیه ۱۵۸ سوره بقره می‌فرماید: «إِنَّ الصُّفَا وَالْمُرُوءَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَوَلَّى خَيْرَ أَقْنَانِ اللَّهِ شَاكِرٌ عَلَيْهِ» یعنی صفا و مروه را از شعائر و نشانه‌های الهی می‌خواند. در آیه دوم سوره مائده نیز می‌فرماید: «بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ» که متکلم حیز شعائر الهی را نهی می‌کند. در آیه ۳۲ سوره حج هم داریم: «ذَلِكُمْ وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فِئْتَانًا مِنْ نَفَقَاتِ الْأَنْفُسِ» بزرگداشت شعائر الهی از تقوای دل‌هاست یعنی یک پیوندی بین تعظیم شعائر و تقوای الهی را نیز می‌توان متصور بود. آیه ۲۶ حج هم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ حَتَّوْا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا أَنفُسَكُمْ اللَّهُ عَلَيْهَا» که از قربانی شتران به‌عنوان شعائر یاد کرده‌است. این هم از منظر معارف قرآنی و تفسیری بود که عرض کردم.

برخی علما هم به وجه اخلاقی شعائر پرداخته‌اند. مثلاً در اخلاق به مومنان توصیه شده که نسبت به هم اخوت و محبت داشته باشند. گفته‌اند چون شعائر الهی عمدتا به‌صورت اجتماع برگزار می‌شود، باعث اخوت و محبت می‌شود، لذا بعد اخلاقی شعائر را این‌گونه تبیین کرده‌اند.

چهارمین بحثی که می‌شود در مورد شعائر الهی ذکر کرد، بحث اعتقادی و مباحث کلامی است. متکلمین مسلمان در بحث اعتقادات، به بحث‌های وجود خدا، صفات خدا و افعال خدا، بحث نبوت، امامت و معاد را که مطرح می‌کنند، بحثی به‌نام ایمان و تقویت ایمان دارند. شهید مطهری، در کتاب توحید و برخی دیگر از آثارشان، به همین بحث تقویت ایمان پرداخته‌اند. اینجا ذکر می‌کنند که چون ایمان حقیقتاً یک تصدیق قلبی، اعتراف و اقرار زبانی و عمل جورایی است، یکی از لوازم این تصدیق قلبی و ایمان، عمل به شعائر است. کسی که شعائر را پاس می‌دارد نشان می‌دهد از ایمان برخوردار است. اینجا بحث شعائر پیوندی با مقوله‌های

اعتقادی و ایمانی پیدا می‌کند.

بعد دیگری که می‌توان در مورد شعائر سخن گفت، بعد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی است، به‌تعمیری از منظر «روانشناسی دین» و «جامعه‌شناسی دین» می‌توان به موضوع نگریست. دیسیپلین روانشناسی و جامعه‌شناسی دین، روانشناسی و جامعه‌شناسی دینداری است. اینجا دین به معنای تدبیر و دینداری است. چون اصولاً روانشناس و جامعه‌شناس، دین را به معنای یک مجموعه عقاید و معارف و اخلاقیات و احکام نمی‌بیند بلکه دین را در صحنه رفتار و حیات اجتماعی می‌بیند. لذا وقتی از جامعه‌شناسی و روانشناسی دین صحبت می‌کنیم به این معنی است که می‌خواهیم آثار روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اعمال و مناسک و باورهای دینداران در جامعه را مورد بررسی قرار دهیم. اینجا بحثی هست که قاعدتاً نیاز به یک تحقیقات میدانی هم دارد که مناسک دینی مثل عزاداری برای اهل بیت، چه تأثیری بر رفتار و حیات اجتماعی دینداران می‌گذارد. در اینجا مناسک را به‌صورت ابزار کنونی می‌بیند و بررسی می‌کند. مثلاً آنچه این مشهود است این است که افرادی که در هیئات مذهبی هستند عمدتاً فعالیت‌های خیریه هم دارند. من یک بررسی انجام دادم از افرادی که کارهای جهادی در مناطق محروم می‌کنند چه تیپ آدم‌هایی هستند. بررسی‌ها نشان داد، افرادی که تعلق به نظام و انقلاب دارند، فعالیت‌های جهادی دارند. [در بحران کرونا] فقط ۲۵ میلیون بسته معیشتی توسط مردم توزیع شده‌است و عمدتاً افرادی که تعلق به هیات و عزاداری و نظام دارند در این کارها پیشقدم هستند و این خیلی واضح است.

یکی از آثار مناسک همین کارهای ارزشمند مثل مواسات و خدمات به محرومان و حرکت‌های جهادی است. لذا مناسک آثار و کارکردهای اجتماعی و روان‌شناختی مثبت دارد. شاید مناسک کارکردهای منفی هم داشته باشد و کسی خیال کند با عزاداری همه گناهانش بخشیده می‌شود. این امر با مبانی دینی ما سازگار نیست و یک اثر روان‌شناختی منفی هم بر انسان دارد که برخی را در خطا و معصیت جری می‌کند. لذا باید بین «مناسک مطلوب» و «مناسک محقق» تمایز قائل شد و فاصله این دورا می‌توان در حوزه علوم انسانی مثل روانشناسی دین و «جامعه‌شناسی دین» مورد بررسی قرار داد.

به‌طور کلی ما معتقدیم مناسک سه ساخت دارد؛ ساخت بینشی و شناختی، ساخت منشی و احساسی و یک ساخت کنشی دارد. سینه‌زنی و عزاداری ساخت کنشی است. اگر مداحی اشعاری با مضامین خوب بخواند، حیث احساسی و معرفتی هم تأمین می‌شود. آنچه از ادله ناظر به مناسک از جمله مناسک مربوط به عزاداری اهل بیت، می‌بینیم این است که پیوند وثیقی بین کنش، منش و بینش در ساخت شعائر و مناسک وجود دارد و اینها از هم جدا نیستند. اگر سخنرانی یا مداح و شاعری تنها به یک بعد از این سه بعد توجه کند، مناسک و شعائر اوانقص است. وقتی امام سجاد گوسفندی را می‌بیند که می‌خواهد ذبحش کند، با گریه سوال می‌کند که آیا به او آب داده‌اید؟ بعد حضرت می‌فرمایند پدرم را البته تشنه ذبح کردند، افرادی که فرمایش (ع) را شنیدند هم می‌نشینند و گریه می‌کنند. این واقعه ظاهر یک کنش است که در آن یک احساسات و عاطفه‌ای هم هست. اما به نظر شما امام سجاد تنها می‌خواهند این دو بعد را تحقق ببخشند؟ یا اینکه می‌خواهد یک بعد معرفتی را هم محقق کنند و بگویند ما اهل بیت برحق هستیم و ما صاحبان حق بودیم، مظلومانه چنین مصائبی دیدیم. امام (ع) می‌خواهند بگویند مردم ولایت، حق مداری، عدالت‌گرایی و... را فراموش نکنند. امام در اینجا معرفت‌زایی می‌کند. رفتار ائمه نشان می‌دهد در دهه محرم اینها اصلانمی‌خندیدند. این رفتار بر چه چیزی دلالت دارد و چه چیزی را می‌خواهد بفهماند؟ همین کنش یک معرفت‌زایی دارد. با این کنش‌ها، حرکت‌ها و قیام‌هایی شروع شد که منجر به حکومت‌هایی مانند آل بویه شد که این حکومت‌ها زمینه‌ساز آزادی اسلامی را فراهم کرد. تمدن اسلامی توسط حکومت‌های شیعی شکل گرفت که البته علمای بزرگی از اهل سنت هم در این باب مشارکت زیادی کردند.

لذا مناسک را باید در سه ساخت بینش، منش و کنش بینیم و سخنوران و شاعران و مداحان باید توجه داشته باشند که تنها احساسات را تحریک نکنند و بعد معرفتی هم باید باشند. برخی جریان‌های افراطی به سمت قهقهه‌زنی می‌روند و یک عمل انزجارآمیزی از شیعه نشان می‌دهند. این کار نه تنها بعد معرفتی ندارد بلکه بعد ضد معرفتی دارد. جریان‌های روشنفکری هم همین‌طور هستند که مجلس سخنرانی برگزار می‌کنند و سرود می‌خوانند! بنابراین سه بعدی که ذکر شد باید در مناسک مورد توجه باشند. طبیعی است که کسی که می‌خواهد یک کتاب معرفتی در مورد مناسک بنویسد، خوب بعد معرفتی آن غلبه دارد، در نوحه‌سرایی و مداحی حیث احساسی و رفتاری، غلبه دارد ولی باز هم حیث معرفتی در آن هست.

**هگل کتابی دارد با عنوان «استقرار شریعت در مذهب مسیح» که در آنجا با مناسک موافق نیست و دین‌هایی را که تعبد و بندگی و عبادت در آنها بیشتر است، نمی‌پسندد. او پر و تستان است و می‌گوید هر چه آداب و مناسک کمتر باشد، بهتر است. ما سخن ابن سینا را سخنی دقیق می‌دانیم که مناسک و اجتماعات هر چه بیشتر باشد، بر تقویت ایمان می‌افزاید**

اسرار صوم، حج، امر به معروف و نهی از منکر و... از این جمله است. البته بیشتر فلاسفه‌ای که رویکرد عرفانی دارند به این مباحث پرداخته‌اند. مثلاً ابن عربی در بخشی از فتوحات مکیه به اسرار مناسک و عبادات پرداخته‌است. از قضا جالب است که کسانی که گرایش‌های عرفانی دارند، خیلی بر مساله اسرار مناسک توجه کرده‌اند. افرادی مثل ابن عربی، مولوی و کسانی که [حتی] شبهه سنی بودن در مورد آنها وجود دارد، در مورد عزاداری برای اهل بیت (ع) خیلی تأکید عرفانی کرده‌اند و گفته‌اند این عزاداری یک پیوندی با آثار تکوینی دارد. یعنی انسانی که در عالم ملک زندگی می‌کند یک پیوند تکوینی با ملکوت پیدامی‌کند. در روایات ما هم آمده که ملائک دعاگوی عزاداران می‌شوند و شر از عزاداران برداشته می‌شود و... که اینها آثار تکوینی عزاداری است.

اما در مورد قوس صعود، گفته‌اند که یکی از راه‌های قوس صعود انسان: «وَأَيْتُّوْا آلِيْهِ الْوَسِيْلَةَ» یعنی توسل و تمسک به اهل بیت و مخصوصاً عزاداری برای اهل بیت است. مرحوم آیت‌الله‌حق شناس که از فلاسفه و فقها و عرفای زمان ما بود با دکتر مهدی حائری فرزند مرحوم شیخ عبدالکریم حائری، این دو از شاگردان اولیه فلسفه و اسفار امام (ره) بودند؛ آقای منطوری و مطهری در مرحله بعد شاگردی امام را کردند. آقای حائری می‌گفت که اگر کسی در این کره زمین باشد که حکمت متعالیه را کامل فهمیده باشد همین آقای حق شناس است. وقتی از آقای حق شناس سوال کردند که چگونه این مقامات را کسب کردی، گفت من با توسل به حضرت علی اصغر (ع) به این مقامات رسیدم. آیت‌الله‌حق شناس تعارف و تملق و شوخی ندارد و وقتی می‌گوید من با توسل این راه را طی کردم، یعنی مناسک چنین اثری دارد. لذا کسانی که فلسفه یا رویکرد عرفانی دارند، معمولاً از این منظر هم به بحث مناسک پرداخته‌اند.

**از مناسک مذهبی - مانند سینه‌زنی و امثال آن - تا برخی مناسک عرفی - آیا اندیشمندان بدین‌به‌طور خاص اندیشمندان با مناسک امر ممکن است؟**

همان‌طور که عرض کردم، مناسک ظاهری دارد و باطنی. ظاهر مناسک کنش است ولی باطن آن منش و بینش است. همه مناسک این‌طور هستند. شما در هندوستان می‌بینید که نسبت به گاوها و... آداب و رسوم دارند، آنها هم صرفاً نمی‌خواهند کنش رفتاری از خود نشان دهند، بلکه یک منش و بینشی پشت آن است و لوازمیکه این بینش غلط باشد. اما هیچ‌یک از مناسک در هیچ‌یک از ادیان و مذاهب، کنش‌های صرف نیستند و حتماً پیوندی با منش‌ها و بینش‌ها دارند.

**با توجه به شرایطی که کرونا تحمیل کرده، موقعیت برای تقویت وجود فردی در دینداری بیشتر فراهم است و ابعاد جمعی تر آن، قدری تضعیف می‌شوند. اثر کلی این شرایط بر دینداری به‌طور کلی - فارغ از حیثیات فردی یا جمعی آن - چه خواهد بود؟**

مناسک اسلامی عمدتاً با جمعیت و جماعت است. در اسلام «بدالله‌الجماعه» یک اصل است و ریشه آن هم در اخوت و محبت ولایات است. چون ولایات پیوندناگسستی «ولی‌ایا، مولی‌علیهم» و «مولی‌علیهم باهم» است. معنای ولایت پیوند مردم باید یکدیگر پیوند مردم با ولی و پیوند ولی با مردم است. لذا اخوت، محبت، جماعت و... مفاهیمی هستند که از جماعت‌انتراع می‌شوند. به‌همین خاطر بر نماز جماعت تأکید شده‌است. در ماه رمضان هم بر اعمالی توصیه شده که در جمع انجام شود. اصولاً اگر جماعت شبکه‌ساز و جبهه‌ساز شکل نگیرد، خیلی از آثار و کارکردهای مناسک کاهش پیدامی‌کند. بنابراین خیلی باید مراقب بود، چون گرونا معلوم نیست چه زمانی تمام می‌شود، این وضعیت باعث می‌شود ارتباطات اجتماعی کاهش پیدا کند و حضور کمتر شود. اینجا باید اجتماع را در فضای مجازی تقویت کرد. یا مثل [دهه اول] محرم امسال که مردم در خیابان‌ها با رعایت فاصله‌ها، اجتماع را برگزار کردند، عمل کرد. من در یادداشتی در قبل از دهه محرم تأکید کردم، لزوم حفظ و نظام‌الصحه و «نفی ضرر و اضرار» و «لزوم حفظ مصلحت مسلمین» بر رعایت امور بهداشتی و سلامت در برابر این ویروس